

تبیین جامعه‌شناختی شهروندی محیط‌زیستی ساکنان شهر شیراز (با تأکید بر سرمایه فرهنگی)*

اصغر میرفردی*، درنا سلامتیان**، منصوره طبعی***، علی یاراحمدی****

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۵)

چکیده

شهروندی محیط‌زیستی نقش مهمی در کاهش و از بین بردن مشکلات محیط‌زیست شهری دارد. هدف از انجام این پژوهش، بررسی شهروندی محیط‌زیستی ساکنان ۱۸ سال به بالای شهر شیراز و ارتباط آن با متغیر سرمایه فرهنگی بود. روش پژوهش، پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بود. نمونه مورد مطالعه، ۱۰۴۵ نفر از ساکنان شهر شیراز بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. برای ارزیابی اعتبار پرسشنامه از تحلیل عاملی و برای تعیین پایایی آن، از هم‌همبستگی درونی ابزار به روش آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد متغیرهای سرمایه فرهنگی، طبقه اجتماعی و میزان تحصیلات ارتباط مثبت و معناداری در سطح ۹۹ درصد با متغیر شهروندی محیط‌زیستی دارند. همچنین، بین وضعیت شهروندی محیط‌زیستی زنان و مردان تفاوت معناداری وجود دارد. زنان، طبقات اجتماعی بالا و افراد با تحصیلات دکتری شهروندی محیط‌زیستی قوی‌تری نسبت به سایر

<http://dx.doi.org/10.22034/jsi.2022.113167.1422>

* مقاله علمی: پژوهشی

*. دانشیار بخش جامعه‌شناسی، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران، (نویسنده مسئول). Amirfardi@shirazu.ac.ir

** دانشجوی دکتری بخش جامعه‌شناسی دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. D.salamatian@gmail.com

*** استادیار بخش جامعه‌شناسی، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. amirfardi@shirazu.ac.ir

**** دانشیار بخش جامعه‌شناسی، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. ahmadi@rose.shirazu.ac.ir

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره بیست و سوم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۱، ص ۷۳-۵۰

گروه‌ها داشتند. در مجموع متغیرهای مستقل ۲۱/۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته شهروندی محیط‌زیستی را تبیین می‌کنند که نشانه اهمیت متغیرهای مورد بررسی است.

مفاهیم اصلی: سرمایه فرهنگی، شهر، شهروندی محیط‌زیستی، شیراز.

مقدمه و بیان مسأله

یکی از مهم‌ترین مسائل امروزه جهان، نقش پررنگ انسان در تخریب محیط‌زیست است. طبیعت سالم و پاک ضامن بقای نسل بشر است و بین طبیعت و انسان پیوندی ناگسستنی وجود دارد (خوش‌بین و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۲۴). امروزه، بیشتر کشورهای جهان از جمله ایران مشکلات محیط‌زیستی را تجربه می‌کنند و این مسائل تنها به کشورهای توسعه‌یافته محدود نمی‌شود (صالحی و امام‌قلی، ۱۳۹۱: ۹۲). گرم شدن کره زمین، پایین آمدن سطح آب‌های زیرزمینی به‌ویژه در مناطق خشک و نیمه خشک، تخریب لایه اوزون، نابودی جنگل‌ها، بیابانی‌شدن جنگل‌ها و سبزه‌زارها، افزایش بی‌رویه جمعیت، مهاجرت گسترده از روستاها و نقاط کم‌تر توسعه یافته به شهرها و افزایش بی‌رویه شهرنشینی و ... مواردی هستند که زندگی در کره زمین را با مشکلات گوناگونی روبه‌رو کرده است (مرادی، ۱۳۹۵: ۸۸؛ فرهمند و گلکار، ۱۳۹۲: ۱۲۸؛ عیسی، ۱۳۹۰: ۶۴). مجموعه‌ای از این بحران‌ها، به‌ویژه در کلان‌شهرها ضرورت پرداختن به موضوع‌های محیط‌زیستی را برجسته‌تر می‌سازد. شهر شیراز به دلیل موقعیت جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در سال‌های اخیر به شدت مورد استقبال مهاجران قرار گرفته و به یکی از شهرهای آلوده و پر جمعیت کشور تبدیل شده است (جوکار و میردامادی، ۱۳۸۹: ۲). افزایش جمعیت شهرها نیاز به آب دارد و خشکسالی‌های پی‌درپی باعث کاهش شدید منابع آبی شده که اگر این روند و سیر صعودی مهاجرت به کلان‌شهرها به‌درستی مدیریت نشود در آینده‌ای نه چندان دور، نبود آب تبدیل به یکی از بحران‌های بزرگ در کلان‌شهرها به‌ویژه شیراز خواهد شد (خبربان، ۱۴۰۱). هوای کلان‌شهر شیراز از ابتدای سال ۱۴۰۱ در بازه‌های زمانی متفاوت در وضعیت ناسالم قرار گرفته است و سبب شده که سازمان حفاظت محیط‌زیست برای پرهیز از رفت و آمدهای غیرضروری در شهر هشدارهای پیاپی اعلام کند (خبرگزاری تسنیم، ۱۴۰۱).

شیراز تا چند دهه قبل دارای ۳۵۰۰ هکتار باغ آباد و سرسبز بوده که اکنون این رقم به کمتر از یک هزار هکتار رسیده و این کاهش و نابودی با سرعت وصف ناپذیری ادامه دارد (سایت خبری تحلیلی شیراز ۱۴۰۰، ۱۴۰۱).

حفاظت از محیط‌زیست، نیازمند ویژگی‌های شناختی و رفتاری سازنده انسان‌ها نسبت به محیط‌زیست است. یکی از عواملی که می‌تواند به کاهش معضلات محیط‌زیستی کمک کند،

شهروندی محیط‌زیستی است. شهروندی محیط‌زیستی به دلیل نقشی که می‌تواند در افزایش رعایت اصول شهروندی، افزایش دانش محیط‌زیستی و تغییر نگرش و رفتار مسئولانه در حوزه محیط‌زیست داشته باشد، می‌تواند به کاهش مشکلات محیط‌زیستی در جامعه بیانجامد. این مفهوم در ابتدا با نظریات مارشال در دهه ۱۹۵۰، تحت عنوان شهروندی مطرح شد و پس از آن همگام با تأثیر زبان‌بار انسان بر محیط طبیعی، موجب شکل‌گیری نوع جدیدی از شهروندی گردید که اسمیت^۱ آن را شهروندی بوم‌شناختی (۱۹۹۸) و دابسون^۲ (۲۰۰۷) آن را شهروند محیط‌زیستی نامیده است. شهروند محیط‌زیستی، به کسی گفته می‌شود که خود را نسبت به حل مسائل محیط‌زیستی و حفاظت از محیط‌زیست متعهد می‌داند (مید^۳، ۲۰۱۳).

شهروندی محیط‌زیستی، مستلزم آن است که موضوعات مربوط به محیط‌زیست را به‌اندازه علم دارای اهمیت بدانیم؛ بنابراین مسئولیت‌های ما به‌عنوان شهروند شامل تمامی انسان‌ها، سایر گونه‌های محیط‌زیستی و نسل‌های آینده می‌شود (بریکویتز، فورد و بروئر، ۲۰۰۵؛ صالحی و پازوکی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۱۲۹). شهروندی محیط‌زیستی مستلزم حقوق و مسئولیت‌هایی در زمینه محیط‌زیست است. منظور از حقوق، داشتن یک محیط پاکیزه و سالم برای زندگی و حق ارائه نظر و شرکت در مسائل محیط‌زیستی است. در بخش تکالیف نیز توجه به توسعه پایدار و حفظ منابع برای نسل‌های آینده، موجودات دیگر و شرکت فعال در بحث‌های آزاد در خصوص توسعه پایدار محیط‌زیستی مد نظر است (فیروزجائیان و شفیع، ۱۳۹۶: ۲۱؛ استیوارد^۴، ۱۹۹۱: ۶۸). شهروندی محیط‌زیستی با تقویت دانش و افزایش اطلاعات محیط‌زیستی، ایجاد نگرش مثبت نسبت به محیط‌زیست و بهبود رفتار محیط‌زیستی مسئولانه می‌تواند منجر به کاهش و رفع مشکلات جامعه در ابعاد گوناگون شود. در بعد اقتصادی، شهروندی محیط‌زیستی می‌تواند منجر به کاهش مصرف انرژی، کاهش مصرف آب، کاهش هزینه‌های خانوار و کاهش استفاده از ظروف یکبار مصرف و کاهش تولید زباله گردد. در بعد اجتماعی و فرهنگی نیز با تقویت فرهنگ صحیح محیط‌زیستی از جمله استفاده صحیح از منابع انرژی، آب، خاک و جنگل می‌تواند به کاهش آلودگی آب، جلوگیری از خشک شدن دریاها و دریاچه‌ها، کاهش فرسایش خاک و از بین رفتن گونه‌های گیاهی و جانوری کمک کند. شهروندی محیط‌زیستی در بعد بهداشتی می‌تواند منجر به کاهش تولید گازهای خطرناک و آلوده، کاهش ریختن زباله‌ها در طبیعت، دریاها و اقیانوس‌ها و در نهایت به وجود آمدن هوای پاکیزه‌تر برای

^۱Smith

^۲Dobson

^۳Mead

^۴Steward

تنفس و استفاده از آب سالم و تمیز شود. در بعد روانی می‌تواند آمادگی لازم ذهنی و روانی لازم را برای همراهی شهروندان با برنامه‌های حفاظت محیط‌زیست فراهم سازد. استفاده از محیط با این ویژگی‌ها به تقویت قوای جسمی و فکری شهروندان کمک کرده و حس آرامش و لذت را در زندگی آنان تقویت می‌کند. در نهایت، تحقق شهروندی محیط‌زیستی در ابعاد گوناگون می‌تواند باعث ایجاد توسعه پایدار شده و بهره‌مندی آیندگان از منابع گوناگون محیط‌زیستی را تضمین کند.

امروزه، بر سرمایه فرهنگی و ارتقاء آن جهت کاهش و کنترل مسائل اجتماعی نظیر بحران‌های محیط‌زیستی تاکید می‌شود (صالحی و امام‌قلی، ۱۳۹۱: ۹۲؛ روحانی، ۱۳۸۸: ۸). سرمایه فرهنگی به‌تمرکز و انباشت انواع مختلف کالاهای ملموس فرهنگی و نیز قدرت و توانایی در اختیار گرفتن این کالاها و همچنین استعداد و ظرفیت فرد در شناخت و کاربرد این وسایل گفته می‌شود (قاسمی و جویمی، ۱۳۹۳: ۱۲) این مفهوم را بوردیو در سال ۱۹۷۳ مطرح کرد. از نظر وی، سرمایه در یک سیستم مبادله‌ای مانند یک رابطه اجتماعی کار می‌کند و این اصطلاح بدون هیچ تمایزی برای همه کالاهای تجاری و نمادین بکار می‌رود و سرمایه فرهنگی در یک سیستم مبادله‌ای که شامل دانش فرهنگی انباشتی است، مانند یک رابطه اجتماعی کار می‌کند (حسن‌پور و قاسمی، ۱۳۹۵: ۵۶).

با توجه به مطالب بیان شده بحث شهروندی محیط‌زیستی بسیار با اهمیت است اما شناخت علمی از ویژگی‌های محیط‌زیستی مردم شهر شیراز وجود ندارد؛ این‌که مردم از چه ویژگی‌هایی در زمینه محیط‌زیست برخوردارند و چه آگاهی، نگرش و رفتاری درباره محیط‌زیست دارند؟ با وجود مطالعه‌های گوناگونی که درباره رفتارهای محیط‌زیستی انجام شده، شهروندی محیط‌زیستی به‌عنوان موضوع نوینی در حوزه محیط‌زیست، کمتر مورد توجه پژوهشگران بوده و از بعد نظری نیاز به- مطالعات میدانی و نظری دارد. چنین مطالعاتی ضمن پرداختن به‌واقعیات اجتماعی شهروندی محیط‌زیستی، زمینه گسترش مبانی مفهومی و نظری و پیوند آن با رفتارها و سیاست‌های محیط‌زیستی را فراهم می‌سازد. هم‌چنین، با توجه به این‌که فرهنگ و به‌طور ویژه سرمایه فرهنگی نقش مهمی در تمام ابعاد زندگی انسان از جمله مسائل محیط‌زیستی دارد، به‌نظر می‌رسد تحلیل و بررسی آن در پیوند با شهروندی محیط‌زیستی مهم است.

در این راستا، پژوهش حاضر بر آن است که به‌بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و شهروندی محیط‌زیستی ساکنان شهر شیراز بپردازد. افزون بر ارزیابی رابطه متغیر یاد شده با شهروندی محیط‌زیستی، ارتباط بین متغیرهایی همچون جنسیت، طبقه اجتماعی و میزان تحصیلات با شهروندی محیط‌زیستی در این پژوهش مورد واکاوی قرار گرفته است.

پیشینه تحقیق

پژوهشگران حوزه جامعه‌شناسی محیط‌زیست از جمله میرفردی (۱۳۹۵؛ ۱۳۹۷)؛ خسروی کیا (۱۳۹۷)؛ میرفردی و سلامتیان (۱۳۹۹؛ ۱۴۰۰)؛ مقیم، قاسمی و بادسار (۱۴۰۰)؛ عبادی سروستانی و شهرکی (۱۴۰۰)، کیم و کیم^۱ (۲۰۱۴)؛ آل شمرفی و نیلر^۲ (۲۰۱۷)؛ لوی، نیر و یوسی^۳ (۲۰۱۸) و آردون، بوئرز و گیلارد^۴ (۲۰۲۰) به بررسی نگرش، رفتار و دانش محیط‌زیستی به‌طور جداگانه پرداخته‌اند و شهروندی محیط‌زیستی در قالب مجموعه‌ای از این عوامل کم‌تر مورد توجه پژوهشگران داخلی و خارجی قرار گرفته است. در اندک پژوهش‌های انجام شده در این حوزه صالحی و پازوکی‌نژاد (۱۳۹۳)؛ بابایی و فانی (۱۴۰۰)؛ یین، ما، گنگ، چن و ژانگ^۵ (۲۰۲۱) و هوتمن و آلبرچت^۶ (۲۰۲۱) شهروندی محیط‌زیستی به‌صورت نظری و در ارتباط با متغیرهایی همچون جهت‌گیری ارزشی، سن، جنسیت، طبقه اجتماعی، وضعیت تحصیلی و تغییرات آب و هوایی مورد بررسی قرار گرفته است. در حوزه تحقیقات صورت گرفته در بخش سرمایه فرهنگی و محیط‌زیست می‌توان به پژوهش‌های صالحی و امام‌قلی (۱۳۹۱)؛ نبوی و مختاری (۱۳۹۷) و غلامی، عباسی اسفجیر و حیدرآبادی (۱۳۹۹) اشاره کرد. اگرچه زارع، عابدینی و حبیب‌پور (۱۴۰۰) در تحقیقی پیرامون شهروندی محیط‌زیستی، به ارتباط بین متغیرهای شهری بودن و سرمایه فرهنگی با شهروندی پرداختند، اما در تحقیق آنان، شهروندی محیط‌زیستی از ترکیب متغیرهای دیگری به‌دست آمده که متفاوت از تحقیق کنونی است و توجه به مباحث شهروندی در پیوند با شهروندی محیط‌زیستی، مطالعه‌ای جدید است. همچنین، تاکنون مطالعه‌ای در زمینه ارتباط شهروندی محیط‌زیستی با سرمایه فرهنگی در کلان‌شهر شیراز انجام نشده است. مروری بر تحقیقات صورت گرفته در سطح ملی و بین‌المللی نشان می‌دهد که ارتباط بین سرمایه فرهنگی و شهروندی محیط‌زیستی به‌ویژه در کشور ایران کم‌تر مورد مطالعه قرار گرفته است. در کلان‌شهر شیراز، تاکنون چنین مطالعه‌ای انجام نشده است. افزون بر این، مطالعه حاضر به‌شناخت ارتباط بین ابعاد سرمایه فرهنگی و شهروندی محیط‌زیستی می‌پردازد که به‌دلیل تحلیل سطوح جزئی این متغیرها، از ویژگی نوآورانه به‌ویژه در گستره داخلی برخوردار است.

^۱ Kim & Kim

^۲ Al-Shemmeri & Naylor

^۳ Levy, Nir & Yossi

^۴ Ardoin, Bowers & Gaillard

^۵ Yin, Ma, Gong, Chen & Zhang

^۶ Huttunen & Albrecht

در این راستا، با توجه به افزایش جمعیت شهر شیراز در دو دهه گذشته و روند فزاینده مهاجرت به این شهر، وجود مشکلات متعدد محیط‌زیستی در شهر شیراز و کاستی مطالعات اجتماعی در زمینه ارتباط بین سرمایه فرهنگی و شهروندی محیط‌زیستی در شهر یاد شده، مطالعه کنونی، اهمیت و ضرورت بالایی دارد.

مبانی و چارچوب نظری

شهروند در دایره المعارف استنفورد این‌گونه تعریف شده است: «شهروند به‌کسی گفته می‌شود که عضو یک تجمع سیاسی است و در عین برخورداری از حقوق، وظایف و مسئولیت‌هایی برایش تعریف شده است» (استنفورد، ۱۳۹۵).

مارشال^۱ (۱۹۵۰) یکی از مشهورترین نظریه‌پردازان حوزه شهروندی، تغییرات حاصل در این مفهوم را در سه دوره بیان کرده است: نخستین دوره رواج حقوق مدنی شهروندی در پایان قرن ۱۹ میلادی است؛ دومین دوره گسترش و مالکیت حقوق سیاسی در قرن ۲۰ میلادی؛ و سومین مرحله رواج تکالیف و حقوق اجتماعی شهروندی در پایان قرن ۲۰ میلادی است. شهروندان به‌همراه وضع کنندگان قانون، اجرا کنندگان قانون، پژوهشگران و جامعه‌شناسان باید ضمن برخورداری از حقوق محیط‌زیستی به‌حفظ محیط شهر خود بپردازند و با وضع قوانین و تغییر نگرش شهروندان، گام مهمی در حفظ محیط‌زیست شهری بردارند. در این راستا جامعه‌شناسان می‌توانند به‌شناسایی عوامل تخریب محیط‌زیست پرداخته و مستندهای آن را در اختیار شهروندان و دولت مردان قرار دهند تا بدین وسیله چالش پیش روی آنان را آشکار و به‌وضع تکالیف و حقوق شهروندی کمک کنند (پیری و قاسمی، ۱۳۸۸: ۲۰۶).

هانگرفورد و ولک^۲ (۱۹۹۰) اصطلاح شهروندی محیط‌زیستی را توسعه دادند. از نظر آنان شهروند محیط‌زیستی دارای خصوصیات و ویژگی‌هایی از این قرار است:

۱- آگاهی، دانش و حساسیت زیادی نسبت به مشکلات محیط‌زیستی دارد ۲- درک کامل و دقیقی از شرایط محیط‌زیستی و مشکلات آن دارد ۳- نسبت به شرایط محیط‌زیست خود نگران است و انگیزه لازم برای حضور فعالانه در بهبود و کاهش مشکلات زیست محیطی دارد ۴- از مهارت‌های علمی و عملی برای شناسایی مسائل و مشکلات محیط‌زیستی برخوردار است و مشارکت فعالانه در تمام سطوح برای رفع و کاهش معضلات محیط‌زیستی دارد (برک‌پور و جهان‌سیر، ۱۳۹۴: ۵۴).

^۱ Marshal

^۲ Hungerford & Volk

در واقع شهروندی زیست‌محیطی زمانی تحقق می‌یابد که شهروندان از سواد زیست‌محیطی در زمینه نظری و عملی برخوردار بوده و با داشتن آگاهی، اعتماد به نفس، انگیزه و آموخته‌های مدنی به‌نگهداری محیط‌زیست بپردازند (بر کوئیتز، فورد و بریور^۱، ۲۰۰۵: ۲۲۸).

از نظر دابسون، شهروندی محیط‌زیستی در عمل خصوصی تحقق نمی‌یابد؛ بلکه کوچک‌ترین اعمال انسان‌ها اعم از پخت غذا در خانه، استفاده از وسایل سرمایشی و گرمایشی در فصول مختلف در منزل و ... دارای الزامات عمومی و زیست‌محیطی هستند. همچنین، تمام اقدامات در جهت حفظ محیط‌زیست اعم از اعتراضات، مذاکرات، خواسته‌ها و ... در فضاهای عمومی به‌وقوع می‌پیوندند (رستگار خالد، مشکینی و صالحی، ۱۳۹۶: ۴۵).

بر اساس دیدگاه شهروند زیست‌محیطی لیبرال، شهروند زیست‌محیطی وظایف و حقوقی در قبال محیط‌زیست خود دارد. در زمینه حقوق می‌توان به‌داشتن محیط زندگی سالم و پاک، تصمیم‌گیری درباره محیط‌زیست و مشارکت در سیاست‌گذاری اشاره کرد. البته این حقوق، بر اشاعه عدالت محیط‌زیستی و تبعیت شهروندان از قوانین وضع شده محیط‌زیستی در تمام جهان تأکید می‌کند (جاگرز و مارتینسون^۲، ۲۰۱۰: ۶؛ بل^۳، ۲۰۰۵).

اکوفمینیسم، مفاهیمی همچون ارتباط انسان با طبیعت، نقش مردان و زنان در طبیعت و نقش رویکردهای مردسالارانه در ستم توامان به‌طبیعت و زنان را مورد بررسی قرار داده است (وارن^۴، ۱۹۹۰). پلم‌وود^۵ (۱۹۹۲) اکوفمینیسم فرهنگی و اجتماعی را به‌عنوان دو شاخه مهم فعالیت مورد نظر خود مطرح کرده است: اکوفمینیسم فرهنگی، بر پیوند زنان و طبیعت تأکید کرده است. از نظر این دیدگاه، زنان و مردان توسط آلودگی‌های ناشی از فعالیت‌های صنعتی دچار آسیب می‌شوند (هام^۶، ۱۳۸۲: ۱۳۴؛ عنایت و فتح‌زاده، ۱۳۸۸: ۵۰)؛ اکوفمینیسم اجتماعی، ریشه فرودستی و نگاه سلسله‌مراتبی به‌زنان و طبیعت را در یونان باستان جستجو می‌کند و مبنای آن را دسته‌بندی افراد بر اساس جنسیت، طبقه و نژاد می‌داند (هام، ۱۳۸۲: ۱۳۵).

مفهوم سرمایه فرهنگی که تأثیر متقابل فرهنگ و نظام طبقات اقتصادی را بررسی می‌کند، از جامعه‌شناسان فرانسوی پیر بوردیو^۷ و ژان کلود پسون^۱، سرچشمه گرفته است. سرمایه فرهنگی به-

^۱ Berkowitz, Ford & Brewer

^۲ Jagers & Martinsson

^۳ Bell

^۴ Katherine

^۵ Plumwood

^۶ Hum

^۷ Pierre Bourdieu

آموزش، مهارت، آگاهی و به‌طور کلی هر امتیازی گفته می‌شود که به‌منجر به کسب منزلت اجتماعی برای افراد می‌شود. این نوع از سرمایه به‌قدرت شناخت و قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی اشاره دارد که از طریق فرآیند جامعه‌پذیری در فرد انباشته می‌شوند (صالحی امیری، ۱۳۸۶: ۶۴؛ فیلیپ^۱، ۱۳۸۷: ۲۲۴، قلی‌پور و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۳).

ابعاد سرمایه فرهنگی:

سرمایه فرهنگی تجسدیافته^۲: بورديو در توصيف خود از سرمایه فرهنگی تجسدیافته مفهوم عادت‌واره را به‌کار می‌گیرد. عادت‌واره می‌تواند به‌صورت اعمالی فهمیده شود که به‌طور فرهنگی آموخته شده و شکل اعمال بدنی بی‌درنگ، گرایش‌ها و ترجیحات سلیقه‌ای را به خود بگیرد. سرمایه تجسدیافته، شامل چیزهایی نظیر منش‌ها، عادت‌ها، مهارت‌های فیزیکی و سبک‌هایی می‌شود که آن‌قدر به‌حسب عادت، به‌نمایش در می‌آیند که تقریباً نامرئی می‌شوند (روحانی، ۱۳۸۸: ۲۲).

سرمایه فرهنگی عینیت یافته^۳: به‌اموال و دارایی‌های افراد، سرمایه فرهنگی عینیت یافته می‌گویند. این نوع از سرمایه فرهنگی بیش‌تر به‌صورت کالاهای مادی و فرهنگی مانند کتاب‌ها، مجسمه‌ها، تصویرها، ماشین‌ها، ابزارها، مجله‌ها و ... تجسم می‌یابند (فتحی و فراشاه، ۱۳۹۹: ۱۹۰؛ بورديو، ۱۹۸۶).

از بین نظریه‌های معرفی شده، چند نظریه برای تبیین فرضیه‌های پژوهش مناسب تشخیص داده شد. برای تبیین ارتباط بین انواع سرمایه فرهنگی و شهروندی محیط‌زیستی، می‌توان از نظریه‌های هانگرفورد و ولک و بورديو بهره جست. هانگرفورد و ولک (۱۹۹۰)، ویژگی‌هایی را به‌سان زمینه‌ها و ملاک‌های شهروندی محیط‌زیستی برمی‌شمارند که از آن جمله می‌توان به‌مهارت علمی و عملی، دانش و آگاهی اشاره نمود. این موارد را می‌توان هم‌جوار با برداشت‌های بورديو از سرمایه فرهنگی دانست. برداشت هانگرفورد و ولک از شهروندی محیط‌زیستی و برداشت بورديو از سرمایه فرهنگی به‌دلیل تأکیدی که بر عناصر آگاهی، مهارت و دانش دارند، برای تبیین نقش سرمایه فرهنگی در شهروندی محیط‌زیستی می‌توانند به‌گونه مکمل یکدیگر به‌کار گرفته شوند. در مدل تقاطعی بورديو از سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی، افراد بر حسب میزان سرمایه فرهنگی‌شان ذائقه‌ها و ترجیحات رفتاری ویژه‌ای در زمینه‌های مصرفی، فراغت، سبک زندگی و محیط‌زیست دارند. براساس نظریه

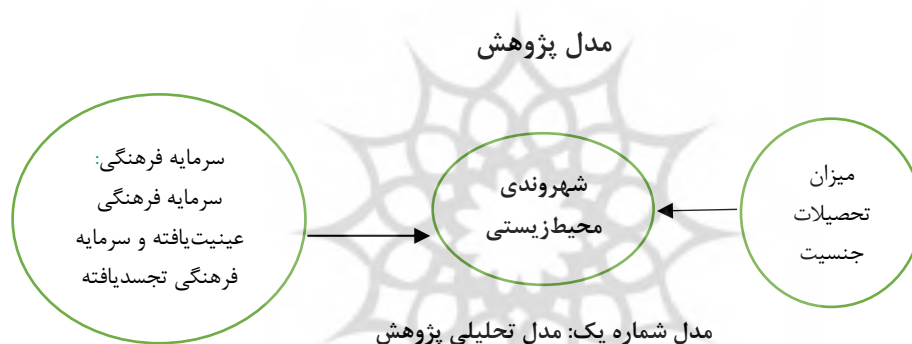
^۱ Jean-Claude Passeron

^۲ Philip

^۳ Embodied Cultural Capital

^۴ Objective Cultural Capital

بورديو، افراد جامعه بر اساس ذائقه و جایگاه خود نگرش‌ها، باورها و رفتارهای متفاوتی دارند و از آن جا که نگرش‌ها و باورها در زمینه شهروندی محیط‌زیستی به صورت رعایت حقوق و مسئولیت‌پذیری در برخورد با محیط‌زیست خود را نشان می‌دهد، این دیدگاه، می‌تواند برای بررسی ارتباط طبقه اجتماعی و شهروندی محیط‌زیستی مورد استفاده قرار گیرد. همچنین، براساس نظریه بورديو، افزایش تحصیلات و کسب مدرک رسمی منجر به تغییر نگرش و رفتار افراد جامعه می‌شود؛ بنابراین، از نظریه یاد شده می‌توان برای تبیین میزان تحصیلات و شهروندی محیط‌زیستی استفاده کرد. از آن جا که اکوفمینیسم به بررسی تفاوت‌های فکری، نگرشی و رفتاری زنان و مردان در حوزه محیط‌زیست می‌پردازد و موضوعات زیستمحیطی را با رویکرد جنسیتی مورد مطالعه قرار می‌دهد، می‌تواند برای تبیین نقش جنسیت در شهروندی محیط‌زیستی به کار گرفته شود. اکوفمینیسم، به بررسی تفاوت‌های فکری، نگرشی و رفتاری زنان و مردان در حوزه محیط‌زیست می‌پردازد و موضوع‌های زیستمحیطی را با رویکرد جنسیتی مورد مطالعه قرار می‌دهد، بر این اساس، می‌توان این نظریه را برای تبیین نقش جنسیت در شهروندی محیط‌زیستی به کار گرفت. متغیرهای برگرفته از چارچوب نظری، مدل زیر را شکل می‌دهند.



فرضیه‌ها

- ۱- بین سرمایه فرهنگی ساکنان ۱۸ سال به بالای شهر شیراز و شهروندی محیط‌زیستی آن‌ها ارتباط معناداری وجود دارد.
- ۲- بین سرمایه فرهنگی تجسدیافته ساکنان ۱۸ سال به بالای شهر شیراز و شهروندی محیط‌زیستی آن‌ها ارتباط معناداری وجود دارد.
- ۳- بین سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته ساکنان ۱۸ سال به بالای شهر شیراز و شهروندی محیط‌زیستی آن‌ها ارتباط معناداری وجود دارد.

- ۴- بین شهروندی محیط‌زیستی ساکنان ۱۸ سال به بالای شهر شیراز با توجه به طبقه اجتماعی آن‌ها تفاوت معناداری وجود دارد.
- ۵- بین شهروندی محیط‌زیستی ساکنان ۱۸ سال به بالای شهر شیراز با توجه به میزان تحصیلات آن‌ها تفاوت معناداری وجود دارد.
- ۶- بین دو گروه مردان و زنان ۱۸ سال به بالای شهر شیراز به لحاظ شهروندی محیط‌زیستی تفاوت معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی تحقیق

در پژوهش حاضر از روش پیمایشی برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. جامعه آماری، کلیه ساکنان ۱۸ سال به بالای شهر شیراز بودند. بر اساس جدول لین (۱۹۷۶) و با در نظر گرفتن حجم جامعه (۱،۲۸۰،۲۳۳ نفر)، سطح معنی‌داری (۹۹ درصد)، میزان همگنی (۵۰-۵۰) و میزان خطای معنی‌داری (۴ درصد)، حجم نمونه پژوهش، ۱۰۳۵ مورد برآورد شد که برای افزایش دقت، جبران ریزش در فرایند پاسخگویی و پوشش مناطق مختلف کلان‌شهر شیراز، به ۱۱۰۰ مورد ارتقاء یافت که پس از گردآوری داده‌ها و کنار گذاشتن پرسشنامه‌های ناقص، ۱۰۴۵ پرسشنامه مورد تحلیل قرار گرفتند. روش نمونه‌گیری، نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای بود. بدین گونه که بر پایه ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی، از مناطق گوناگون چند منطقه به‌عنوان خوشه‌های اصلی انتخاب و سپس در هر منطقه خوشه‌هایی با فاصله متناسب از یکدیگر انتخاب شدند. سپس در هر خوشه، بلوک‌های معینی انتخاب شده و پس از آن در هر بلوک از نقطه مشخصی مثلاً جنوب غربی در جهت عقربه‌ها و با فاصله معینی به‌درب خانه‌ها مراجعه شد. در مراجعه به‌درب خانه‌ها از فرم نمونه‌گیری استفاده شد که در آن، به‌ویژگی‌های سنی و جنسیت پاسخگویان توجه می‌شود تا به‌گونه متوازن از زنان و مردان و گروه‌های سنی مختلف مورد مطالعه در نمونه‌های منتخب قرار گیرند. متغیر شهروندی محیط‌زیستی دارای چهار بعد رفتار محیط‌زیستی، نگرش محیط‌زیستی، دانش محیط‌زیستی و شهروندی بود. جهت سنجش متغیرهای شهروندی محیط‌زیستی از پرسشنامه پژوهشگر ساخته و برای سنجش متغیر سرمایه فرهنگی از پرسشنامه به‌کار گرفته شده توسط همتی (۱۳۹۴) استفاده شد. جهت تعیین اعتبار مقیاس‌های شهروندی محیط‌زیستی و سرمایه فرهنگی از اعتبار سازه به‌روش تحلیل عاملی تاییدی با چرخش واریماکس، استفاده شد که نتایج آن در جدول‌های شماره ۱ منعکس است. مقدار KMO برای متغیرهای شهروندی محیط‌زیستی، و سرمایه فرهنگی به‌ترتیب برابر با (۰/۳۱۸) و (۰/۵۵۲) بود؛ که بیان‌گر کفایت نمونه‌گیری است. میزان معناداری آزمون بارتلت ($P < ۰/۰۰۰$) نشان می‌دهد بین متغیرها همبستگی وجود دارد. تحلیل

عاملی، در نهایت بدون حذف هیچ یک از گویه‌ها، منجر به استخراج چهار عامل شهروندی (با ۵ گویه)، دانش محیط‌زیستی (با ۶ گویه)، رفتار محیط‌زیستی (با ۱۳ گویه) و نگرش محیط‌زیستی (با ۷ گویه) برای متغیر شهروندی محیط‌زیستی و منجر به استخراج ۲ عامل سرمایه فرهنگی تجسد یافته (با ۴ گویه) و سرمایه فرهنگی عینیت یافته (با ۴ گویه)، برای متغیر سرمایه فرهنگی گردید. جهت تعیین پایایی مقیاس‌های پژوهش، با توجه به سطح سنجش گویه‌ها، از همسانی درونی به روش آلفا کرونباخ استفاده شد که ضریب آلفای مقیاس شهروندی محیط‌زیستی برابر با ۰/۸۸ و ابعاد آن شهروندی برابر با ۰/۸۲، دانش محیط‌زیستی برابر با ۰/۹۳، رفتار محیط‌زیستی برابر با ۰/۹۲، نگرش محیط‌زیستی برابر با ۰/۷۳ و سرمایه فرهنگی برابر با ۰/۷۶ و ابعاد آن سرمایه فرهنگی تجسد یافته برابر با ۰/۶۲ و سرمایه فرهنگی عینیت یافته برابر با ۰/۸۵ بود. داده‌های شماره ۱، شاخصهای اعتبار و پایایی مقیاس‌های متغیرهای مورد بررسی را نشان می‌دهند. این ضرایب نشان می‌دهد گویه‌های هر پرسشنامه، از همسانی درونی مطلوبی برخوردار بودند. در نهایت داده‌های پرسشنامه به وسیله نرم افزار spss 20 تجزیه و تحلیل شد.

جدول شماره ۱: تعیین اعتبار مقیاس سرمایه فرهنگی و شهروندی محیط‌زیستی

متغیرها	آزمون KMO جهت متناسب بودن اندازه نمونه	آزمون Bartlett جهت درست بودن تفکیک عامل‌ها	ضریب آلفای کرونباخ
سرمایه فرهنگی	۰/۵۵۲	Sig = ۰/۰۰۰	۰/۷۶
شهروندی محیط‌زیستی	۰/۳۱۸	Sig = ۰/۰۰۰	۰/۸۸

تعریف مفاهیم و عملیاتی کردن متغیرها:

شهروندی محیط‌زیستی

شهروند محیط‌زیستی، به کسی گفته می‌شود که خود را نسبت به حل مسائل محیط‌زیستی و حفاظت از محیط‌زیست متعهد می‌داند (مید، ۲۰۱۳). این متغیر از ترکیب ۴ مقیاس شهروندی، رفتار محیط‌زیستی، نگرش محیط‌زیستی و دانش محیط‌زیستی به دست آمده است و با مقیاس ترتیبی و طیف پنج سنجهای لیکرت سنجیده شد. مقیاس شهروندی دارای ۵ گویه، مقیاس دانش محیط‌زیستی ۶ گویه، مقیاس رفتار محیط‌زیستی ۱۳ گویه و مقیاس نگرش محیط‌زیستی دارای ۷ گویه داشت. گزینه‌های پاسخ مقیاس شهروندی و نگرش محیط‌زیستی «کاملاً مخالفم»، «نسبتاً مخالفم»، «نظری ندارم»، «نسبتاً موافقم» و «کاملاً موافقم» بود که به ترتیب نمره‌های ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ را به خود اختصاص دادند و گزینه‌های پاسخ مقیاس دانش محیط‌زیستی و رفتار محیط‌زیستی

شامل موارد «خیلی کم»، «نسبتاً کم»، «متوسط»، «نسبتاً زیاد» و «خیلی زیاد» بود که به ترتیب نمره‌های ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ را به خود اختصاص دادند.

سرمایه فرهنگی

سرمایه فرهنگی مجموعه‌ای از روابط، معلومات و امتیازات است که فرد، برای حفظ کردن یا به‌دست آوردن یک موقعیت اجتماعی از آن استفاده می‌کند (صالحی امیری، ۳۸۶: ۶۴). این متغیر از ترکیب ۲ مقیاس سرمایه فرهنگی تجسدیافته و سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته به‌دست آمده است و با مقیاس ترتیبی و طیف پنج سنج‌های لیکرت سنجیده شد. مقیاس سرمایه فرهنگی تجسدیافته دارای ۴ گویه و مقیاس و سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته نیز ۴ گویه داشت. گزینه‌های پاسخ این مقیاس «اصلاً»، «به‌ندرت»، «تاحدودی»، «تا حد زیادی» و «کاملاً» بود که به ترتیب نمره‌های ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ را به خود اختصاص دادند.

یافته‌های تحقیق:

ویژگی‌های جمعیت نمونه

براساس جدول شماره دو، ۵۰/۸ درصد از پاسخگویان مرد و ۴۹/۱ درصد زن بودند. از نظر تحصیلات بیش‌تر پاسخگویان، دارای تحصیلات لیسانس بودند که بیش از ۳۰ درصد در این گروه تحصیلی قرار داشتند پس از آن میزان تحصیلات دیپلم با ۲۴/۳ و فوق‌دیپلم با ۱۶ درصد در جایگاه‌های بعدی قرار داشتند. همچنین، پاسخگویان دارای طبقه اجتماعی متوسط رو به بالا بیش‌ترین نسبت از پاسخگویان (۴۵/۴ درصد) را داشتند.

جدول شماره ۲: توصیفی از ویژگی‌های جمعیت شناختی پاسخگویان

متغیر	رده	فراوانی	درصد	متغیر	رده	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۵۳۱	۵۰/۸	میزان تحصیلات	زیردیپلم	۱۱۷	۱۱/۲
	زن	۵۱۳	۴۹/۱		دیپلم	۲۵۴	۲۴/۳
پاسخ نداده	کل	۱۰۴	۱۰/۱	فوق دیپلم	۱۶۷	۱۶	
	پایین	۱۱۱	۱۰/۶	لیسانس	۳۴۰	۳۲/۵	
طبقه اجتماعی	متوسط رو به پایین	۳۳۳	۳۱/۹	فوق لیسانس	۱۳۱	۱۲/۵	
	متوسط رو به بالا	۴۷۴	۴۵/۴	دکتری	۲۹	۲/۸	
	بالا	۱۱۶	۱۱/۱	پاسخ نداده	۷	۰/۷	
	پاسخ نداده	۱۱	۱/۱	کل	۱۰۴۵	۱۰۰	

				۱۰۰	۱۰۴۵	کل	
--	--	--	--	-----	------	----	--

جدول شماره ۳، نشان دهنده، میانگین مورد انتظار و میانگین مشاهده شده متغیرهای اصلی تحقیق است. متغیر «سرمایه فرهنگی» دربردارنده ۸ گویه است، کم‌ترین نمره این متغیر ۸ و بیش‌ترین نمره ۳۹ است، میانگین به‌دست آمده از کل گویه‌ها برابر با (۲۲/۰۰۸) است که از میانگین مورد انتظار (۲۴) کم‌تر است و بیان‌گر پایین‌تر بودن میزان سرمایه فرهنگی در بین ساکنان شهر شیراز است.

متغیر «شهروندی محیط‌زیستی» دربردارنده ۳۱ گویه است. کم‌ترین نمره این متغیر ۳۴ و بیش‌ترین نمره ۱۵۴ است. میانگین به‌دست آمده از کل گویه‌ها برابر با ۱۰۳/۶۳ است که از میانگین مورد انتظار (۹۳) بیش‌تر است و بیان‌گر میزان شهروندی محیط‌زیستی بیش‌تر در بین ساکنان شهر شیراز است.

جدول شماره ۳: توصیف آماری مربوط به سرمایه فرهنگی و شهروندی محیط‌زیستی ساکنان شهر شیراز

متغیر	بیش‌ترین	کم‌ترین	میانگین مشاهده شده	میانگین مورد انتظار	انحراف معیار
سرمایه فرهنگی	۳۹	۸	۲۲/۰۰۸	۱۴	۲۹/۷
شهروندی محیط‌زیستی	۱۵۴	۳۴	۱۰۳/۶۳	۹۳	۲۵/۹۱

یافته‌های تبیینی

برای بررسی وضعیت تفاوت معناداری بین گروه زنان و مردان به‌لحاظ شهروندی محیط‌زیستی از آزمون تی مستقل استفاده شد. بر اساس نتایج جدول شماره ۴، بین گروه زنان و مردان به‌لحاظ شهروندی محیط‌زیستی تفاوتی در سطح ۰/۰۱ وجود دارد. زنان شهروندی محیط‌زیستی بالاتری نسبت به مردان دارند.

جدول شماره ۴: آزمون تفاوت معناداری شهروندی محیط‌زیستی ساکنان شهر شیراز بر حسب جنسیت

جنس (متغیر مستقل)	تعداد	میانگین	انحراف معیار	T	Sig
زن	۵۱۶	۱۰۵/۷۰	۲۴/۷۴	۲/۵۹	۰/۰۱
مرد	۵۰۳	۱۰۱/۵۰	۲۶/۹۴		

با توجه به نتایج جدول شماره ۵، بین میزان شهروندی محیط‌زیستی پاسخگویان با توجه به سطح تحصیلات آنان تفاوت معناداری وجود دارد. افراد با تحصیلات دکتری، میزان شهروندی

محیط‌زیستی بالاتری نسبت به سایر گروه‌ها دارند. همچنین، بین طبقه اجتماعی شهروندان به لحاظ شهروندی محیط‌زیستی تفاوت معناداری در سطح ۹۹ درصد وجود دارد. افراد طبقه اجتماعی بالا، از ویژگی‌های شهروندی محیط‌زیستی قوی‌تری نسبت به سایر طبقات برخوردارند.

جهت ارزیابی تفاوت بین زیرگروه‌های هر متغیر (میزان تحصیلات و طبقه اجتماعی) با شهروندی محیط‌زیستی از آزمون تعقیبی LSD استفاده شد. نتایج نشان داد بین میزان شهروندی محیط‌زیستی پاسخگویان دارای تحصیلات زیردیپلم، با دیپلم، فوق‌دیپلم، لیسانس، فوق‌لیسانس و دکتری تفاوت معناداری در سطح ۹۹ درصد وجود دارد. نتایج، بیان‌گر تفاوت معنادار افراد دارای تحصیلات دیپلم، با افراد دارای تحصیلات لیسانس، فوق‌لیسانس و دکتری است. بین افراد دارای تحصیلات فوق‌دیپلم، با افراد دارای تحصیلات لیسانس، فوق‌لیسانس و دکتری نیز تفاوت معناداری در سطح ۹۹ درصد مشاهده شد. همچنین، افراد دارای تحصیلات لیسانس نیز، با افراد دارای تحصیلات فوق‌لیسانس و دکتری تفاوت معناداری داشتند.

در بین زیر گروه‌های طبقه اجتماعی، شهروندی محیط‌زیستی طبقه اجتماعی پایین تفاوت معناداری با طبقه اجتماعی متوسط رو به پایین، متوسط رو به بالا و طبقه اجتماعی بالا در سطح ۹۹ درصد نشان داد. همچنین، طبقه اجتماعی متوسط رو به پایین با طبقه اجتماعی متوسط رو به بالا و طبقه اجتماعی بالا تفاوت معناداری داشت. طبقه اجتماعی متوسط رو به بالا نیز تفاوت معناداری با طبقه بالا در سطح ۹۵ درصد نشان داد.

جهت ارزیابی شهروندی محیط‌زیستی پاسخگویان براساس زیر مجموعه‌های هر متغیر، میانگین شهروندی محیط‌زیستی هر رده (زیر مجموعه) آورده شد. بالاترین میانگین مربوط به میزان تحصیلات دکتری (۲۶/۹۲) و کم‌ترین میانگین مربوط به میزان تحصیلات زیردیپلم (۱۷/۲۹) بود. در بین زیر مجموعه‌های طبقه اجتماعی، بیش‌ترین میانگین شهروندی محیط‌زیستی، مربوط به طبقه اجتماعی بالا (۲۷/۶۱) و کم‌ترین میانگین متعلق به طبقه اجتماعی متوسط رو به بالا (۲۳/۷۱) بود.

جدول شماره ۵: بررسی تفاوت میانگین شهروندی محیط‌زیستی ساکنان شهر شیراز بر اساس میزان

تحصیلات و طبقه اجتماعی

متغیر مستقل	رده	تعداد پاسخگویان	میانگین	انحراف معیار	F	سطح معناداری
میزان تحصیلات	زیردیپلم	۱۱۷	۱۷/۲۹	۷/۲۰۰	۲۴/۶۶	۰/۰۰۰
	دیپلم	۲۵۲	۲۰/۵۱	۶/۷۰		
	فوق‌دیپلم	۱۶۵	۲۱/۳۰	۷/۴۵		
	لیسانس	۳۴۰	۲۳/۴۷	۶/۶۱		
	فوق‌لیسانس	۱۳۰	۲۵/۱۳	۷/۲۲		

متغیر مستقل	رده	تعداد پاسخگویان	میانگین	انحراف معیار	F	سطح معناداری
	دکتری	۲۸	۲۶/۹۲	۶/۷۷		
	کل	۱۰۳۲	۲۲/۰۰۸	۳۱/۷		
طبقه اجتماعی	پایین	۱۱۱	۱۷/۵۵	۶/۵۳	۸۳/۲۲	۰/۰۰۰
	متوسط رو به پایین	۳۳۱	۲۱/۵۴	۷/۰۳		
	متوسط رو به بالا	۴۷۱	۲۲/۸۴	۷/۱۵		
	بالا	۱۱۵	۲۴/۶۹	۷/۳۴		
	کل	۱۰۲۸	۲۲/۰۶	۷/۲۹		

یافته‌های تحقیق نشان داد با توجه به مقدار ضریب همبستگی $0/416$ و سطح معناداری 99 درصد، بین سرمایه فرهنگی و شهروندی محیط‌زیستی ساکنان شهر شیراز ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد؛ به این معنا که هرچه سرمایه فرهنگی ساکنان شهر شیراز افزایش یابد، به همان نسبت میزان شهروندی محیط‌زیستی آنان نیز بیش‌تر می‌شود. با توجه به مقدار ضریب همبستگی $0/314$ و سطح معناداری $0/000$ بین بعد سرمایه فرهنگی تجسد یافته ساکنان شهر شیراز و شهروندی محیط‌زیستی آنان رابطه معناداری وجود دارد. سرمایه فرهنگی عینیت یافته نیز ارتباط مثبت و معناداری با شهروندی محیط‌زیستی در سطح 99 درصد نشان داد. با توجه به مقدار ضریب همبستگی $0/283$ و سطح معناداری 99 درصد، بین سرمایه فرهنگی تجسد یافته و بعد شهروندی متغیر شهروندی محیط‌زیستی ساکنان شهر شیراز ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد؛ به این معنا که هرچه سرمایه فرهنگی تجسد یافته ساکنان شهر شیراز افزایش یابد، به همان نسبت میزان شهروندی آنان بیش‌تر می‌شود. با توجه به مقدار ضریب همبستگی $0/311$ و سطح معناداری $0/000$ بین بعد سرمایه فرهنگی تجسد یافته ساکنان شهر شیراز و دانش محیط‌زیستی آنان رابطه معناداری وجود دارد. سرمایه فرهنگی تجسد یافته ارتباط مثبت و معناداری با رفتار محیط‌زیستی در سطح 99 درصد نشان داد. همچنین، سرمایه فرهنگی تجسد یافته ارتباط مثبت و معناداری در سطح 99 درصد با نگرش محیط‌زیستی داشت. با توجه به مقدار ضریب همبستگی $0/378$ و سطح معناداری 99 درصد، بین سرمایه فرهنگی عینیت یافته و شهروندی ساکنان شهر شیراز ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد؛ به این معنا که هرچه سرمایه فرهنگی عینیت یافته ساکنان شهر شیراز افزایش یابد، به همان نسبت میزان شهروندی آنان نیز بیش‌تر می‌شود. با توجه به مقدار ضریب همبستگی $0/383$ و سطح معناداری $0/000$ بین بعد سرمایه فرهنگی عینیت یافته ساکنان شهر شیراز و دانش

محیط‌زیستی آنان رابطه معناداری وجود دارد. سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته ارتباط مثبت و معناداری با رفتار محیط‌زیستی در سطح ۹۹ درصد نشان داد. همچنین، سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته ارتباط مثبت و معناداری در سطح ۹۹ درصد با نگرش محیط‌زیستی داشت.

جدول شماره ۶: بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و ابعاد آن با شهروندی محیط‌زیستی و ابعاد آن در بین ساکنان شهر شیراز

متغیرهای مستقل و وابسته و بعدهای آنها	ضریب پیرسون	سطح معناداری
سرمایه فرهنگی و شهروندی محیط‌زیستی	۰/۴۱۶**	۰/۰۰۰
سرمایه فرهنگی تجسدیافته و شهروندی محیط‌زیستی	۰/۳۱۴**	۰/۰۰۰
سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته و شهروندی محیط‌زیستی	۰/۴۰۸**	۰/۰۰۰
سرمایه فرهنگی تجسدیافته و شهروندی	۰/۲۸۳**	۰/۰۰۰
سرمایه فرهنگی تجسدیافته و دانش محیط‌زیستی	۰/۳۱۱**	۰/۰۰۰
سرمایه فرهنگی تجسدیافته و رفتار محیط‌زیستی	۰/۲۴۶**	۰/۰۰۰
سرمایه فرهنگی تجسدیافته و نگرش محیط‌زیستی	۰/۲۴۶**	۰/۰۰۰
سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته و شهروندی	۰/۳۷۸**	۰/۰۰۰
سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته و دانش محیط‌زیستی	۰/۳۸۳**	۰/۰۰۰
سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته و رفتار محیط‌زیستی	۰/۳۲۲**	۰/۰۰۰
سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته و نگرش محیط‌زیستی	۰/۳۲۳**	۰/۰۰۰

**= P<0.01

تحلیل رگرسیون چند متغیره

آزمون رگرسیون چند متغیره نشان داد چهار متغیر در معادله رگرسیونی به‌عنوان مهم‌ترین متغیرهای تبیین‌کننده متغیر وابسته شهروندی محیط‌زیستی باقی ماندند. نتایج نشان داد که در نخستین مرحله، متغیر سرمایه فرهنگی بیش‌ترین همبستگی تفکیکی را با شهروندی محیط‌زیستی داشت که به‌تنهایی قادر به تبیین ۱۷/۲٪ از تغییرات شهروندی محیط‌زیستی افراد مورد مطالعه است. مقدار بتا در این رابطه برابر با ۰/۳۵۵ بود. در مرحله بعد، متغیر، طبقه اجتماعی پایین، مهم‌ترین متغیر اثرگذار در شهروندی محیط‌زیستی به‌شمار می‌آید. مقدار بتا در این رابطه برابر با ۰/۱۷۲- است و مقدار ضریب تبیین به ۲۰/۳ درصد افزایش یافت. در سومین مرحله، میزان تحصیلات (فوق لیسانس) وارد معادله شد. با وارد شدن این متغیر در معادله رگرسیونی، مقدار ضریب تبیین به ۲۰/۸ درصد افزایش یافت. در مرحله آخر متغیر میزان تحصیلات (دکتری) وارد معادله شد و مقدار

ضریب تبیین به ۲۱/۴ رسید. مقدار بتا در این رابطه برابر با ۰/۰۸۴ است. در مجموع، متغیرهای وارد شده به معادله تحلیلی ۲۱/۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کردند. جدول شماره ۷: نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره متغیرهای تأثیرگذار بر روی شهروندی محیط‌زیستی (به‌روش گام به گام)

مرحله	متغیر	R	R2	sig	T	B	Beta
	مقدار ثابت	-	-	۰/۰۰۰	۶۶/۳۱	۱۹/۷۶	-
۱	سرمایه فرهنگی	۰/۴۱۶	۰/۱۷۲	۰/۰۰۰	۲۱/۱۲	۱/۲۶	۰/۳۵۵
۲	طبقه اجتماعی پایین	۰/۴۵۲	۰/۲۰۳	۰/۰۰۰	-۶/۰۰۹	۳۹/۱۴	-۰/۱۷۲
۳	میزان تحصیلات (فوق لیسانس)	۰/۴۵۹	۰/۲۰۸	۰/۰۰۰	۳/۱۲	۶/۸۹	۰/۰۸۹
۴	میزان تحصیلات (دکتری)	۰/۴۶۶	۰/۲۱۴	۰/۰۰۰	۲/۹۷	۴۴/۱۳	۰/۰۸۴

بحث و نتیجه‌گیری

این مطالعه بر آن بود تا به تبیین شهروندی محیط‌زیستی ساکنان شهر شیراز با تأکید بر سرمایه فرهنگی و دیگر متغیرهای جمعیتی بپردازد. نتایج بررسی نشان داد که سرمایه فرهنگی همبستگی مثبت و معناداری با شهروندی محیط‌زیستی ساکنان شهر شیراز دارد به گونه‌ای که بالا بودن میزان سرمایه فرهنگی به تقویت شهروندی محیط‌زیستی و رفتار و نگرش مسئولانه درباره محیط‌زیست میانجامد. این یافته با نتایج صالحی و امام قلی (۱۳۹۱)؛ نبوی و مختاری (۱۳۹۷) و پژوهش غلامی و همکاران (۱۳۹۹) که نشان دادند بین سرمایه فرهنگی و رفتار محیط‌زیستی ارتباط معناداری وجود دارد و نتیجه پژوهش زارع، عابدینی و حبیب‌پور (۱۴۰۰) که نشان داد شهروندی محیط‌زیستی و سرمایه فرهنگی ارتباط معناداری با یکدیگر دارند، هم‌راستا است و آن را تأیید می‌کند. رابطه مستقیم و معنادار متغیر سرمایه فرهنگی و شهروندی محیط‌زیستی با نظریات هانگر فورد و ولک (۱۹۹۰) و بوردیو (۱۹۷۳) قابل تبیین است. بر پایه این نظریه، آموزش از بدو تولد و از طریق نهاد خانواده و پس از آن، از طریق نهاد آموزش و پرورش، نقش مهمی در شکل‌گیری نگرش و رفتارهای محیط‌زیستی مسئولانه شهروندان دارد. همچنین از نظر وی، تعمق در معنا و محتوای وسایل ارتباط جمعی همچون مجلات، کتب، نقاشی و تصاویر منجر به تغییر نگرش و رفتار محیط‌زیستی افراد و در نهایت افزایش شهروندی محیط‌زیستی آنان می‌شود.

یکی دیگر از نتایج پژوهش، وجود رابطه مثبت و معنادار بین طبقه اجتماعی و شهروندی محیط‌زیستی ساکنان شهر شیراز است. طبقات بالاتر از شهروندی محیط‌زیستی قوی‌تری نسبت به طبقات پایین برخوردارند. این یافته با نتایج پژوهش خسروی‌کیا (۱۳۹۷) و لوی، نیر و لوسی (۲۰۱۸) که نشان دادند بین طبقه اجتماعی و رفتار محیط‌زیستی ارتباط معناداری وجود دارد؛ و

نتایج پژوهش کیم و کیم (۲۰۱۴) و آل شمرفی و نیلر (۲۰۱۷) که نشان دادند بین نگرش محیط‌زیستی و طبقه اجتماعی ارتباط معناداری وجود دارد؛ همخوانی دارد. ارتباط مستقیم و معنادار بین متغیر طبقه اجتماعی و شهروندی محیط‌زیستی نیز با نظریه بوردیو (۱۹۸۶) قابل تبیین است. بر پایه نظریه بوردیو، هر طبقه ذائقه ویژه خود را داراست و تفاوت در میزان سرمایه‌های گوناگون، به‌ویژه سرمایه فرهنگی، منجر به داشتن ذائقه‌های گوناگون می‌شود. بنابراین، تفاوت طبقاتی، منجر به ایجاد تفاوت در نگرش، دانش و رفتار شهروندان در قبال محیط‌زیست می‌شود؛ هر چه طبقه اجتماعی فرد بالاتر رود، میزان شهروندی محیط‌زیستی بیشتر و هر چه طبقه اجتماعی افراد پایین‌تر باشد، شهروندی محیط‌زیستی کم‌تر خواهد بود. همان‌طور که در جدول رگرسیون چند متغیره مشاهده شد، طبقه اجتماعی پایین، دومین متغیر تأثیرگذار بر شهروندی محیط‌زیستی بود. درگیر بودن طبقات پایین به‌تأمین نیازهای اولیه و مایحتاج زندگی، می‌تواند منجر به اولویت نیافتن موضوعات محیط‌زیستی برای آنان گردد. همان‌گونه که اینگلههارت^۱ (۱۳۷۳) از جوامع بقای نفس یاد کرده است، ویژگی جامعه مورد مطالعه را نیز می‌توان درگیری مردم در موضوع‌های مادی و زیستی دانست. از نظر اینگلههارت، مردم کشورهای توسعه‌یافته، به‌موضوعات فرامادی همچون محیط‌زیست توجه زیادی دارند اما، مردم کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته به‌دلیل درگیری در تأمین نیازهای مادی و زیستی خویش فرصت چندانی برای توجه به‌موضوع‌های فرامادی ندارند.

نتایج پژوهش نشان داد که میزان تحصیلات با شهروندی محیط‌زیستی ساکنان شهر شیراز ارتباط مثبت و معناداری دارد. به‌سختی دیگر، با افزایش تحصیلات، وضعیت شهروندی محیط‌زیستی ساکنان شهر شیراز بهبود می‌یابد. هر چند نتایج تحقیق صالحی و پازوکی‌نژاد (۱۳۹۳) و صالحی و امام‌قلی (۱۳۹۱) به‌نتیجه‌ای برعکس این مطالعه، دست یافته بودند. این یافته نیز، با نظریه بوردیو (۱۹۷۳) قابل انطباق است. بر پایه دیدگاه بوردیو می‌توان چنین استدلال نمود که افزایش تحصیلات منجر به افزایش سرمایه فرهنگی و بهبود شهروندی محیط‌زیستی می‌شود. همچنین نتیجه پژوهش کنونی، نشانگر تفاوت معنادار در میزان شهروندی محیط‌زیستی افراد با توجه به‌جنسیت آن‌ها است. زنان از میزان شهروندی محیط‌زیستی بالاتری نسبت به‌مردان برخوردار بودند. این یافته با نتیجه پژوهش عابدی سروستانی و شهرکی (۱۴۰۰)، هم‌راستا است. بر اساس نظریه اکوفمیسینیم، زنان مراحل جامعه‌پذیری متفاوتی را نسبت به‌مردان سپری می‌کنند. آنان به‌دلیل انجام کارهای آشپزخانه، تهیه سوخت، غذا و خانه‌داری بیش‌تر به‌طبیعت وابسته‌اند. این تفاوت منجر به‌شکل‌گیری نگرش، دانش و رفتار

^۱ Englehart

محیط‌زیستی متفاوت در زنان نسبت به مردان می‌شود و در نهایت منجر به شهروندی محیط‌زیستی متمایز آن‌ها می‌شود (هام^۱، ۱۳۸۲: ۱۳۴؛ عنایت و فتح‌زاده، ۱۳۸۸: ۵۰)

در مجموع، متغیرهای مستقل ۲۱/۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته شهروندی محیط‌زیستی را تبیین می‌کنند که نشانه توان‌مندی قابل توجه مدل تحلیلی است. در میان متغیرهایی که در رگرسیون چند متغیره وارد معادله شده‌اند، متغیر سرمایه فرهنگی در اولین مرحله، ۱۷/۲ درصد از تغییرات شهروندی محیط‌زیستی را تبیین کرد. اولویت یافتن متغیر سرمایه فرهنگی، بیان‌گر اهمیت این متغیر در بهبود شرایط محیط‌زیستی و کاهش معضلات در این حوزه است. بنابراین، برای تغییر رفتارها و نگرش‌ها نسبت به محیط‌زیست و پذیرش مسئولیت محیط‌زیستی شهروندان، لازم است سرمایه فرهنگی شهروندان در جامعه بهبود یابد. در این راستا، پیشنهادها زیر برای بهبود وضعیت ارائه می‌گردد:

- ۱- بهره‌گیری از توانمندی هنرمندان برجسته برای طراحی تابلوهای نقاشی با موضوع اهمیت حفظ محیط‌زیست
- ۲- ترغیب نویسندگان و شاعران برای پدید آوردن آثاری با محتوای محیط‌زیستی و پاسداشت آن.
- ۳- توجه به محیط‌زیست در بخشهای خبری و اطلاع‌رسانی عمومی به منظور افزایش سطح آگاهی عمومی در این حوزه.
- ۴- برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری برای ساخت فیلم و اجرای تئاتر با محتوای محیط‌زیستی.
- ۵- بهره‌گیری از ابزارهای تبلیغی کلاسیک و مدرن با محوریت محیط‌زیست و مشارکت در حفظ آن در مراکز عمومی همچون مراکز تجاری، نمایشگاه‌ها و ...
- ۶- برگزاری دوره‌های آموزش محیط‌زیست و تربیت محیط‌یاران از بین شهروندان علاقمند به محیط‌زیست و فعالیتهای مشارکتی مرتبط با آن.
- ۷- اختصاص بخشی از واحدهای درسی و محتوای آموزشی در دوره‌های متوسطه و تحصیلات دانشگاهی به محیط‌زیست. برای دوره‌های ابتدایی میتوان در چارچوب دروس موجود- برای نمونه علوم- به این مهم پرداخت.

منابع

اسمیت، فیلیپ (۱۳۸۷)، *درآمدی بر نظریه فرهنگی معاصر*، ترجمه حسن پویان، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

^۱ Hum

- بابایی، یاور؛ فانی، مریم (۱۴۰۰)، «اثر مدیریت منابع انسانی سبز بر رفتار شهروندی زیست‌محیطی و رفتارهای حامی محیط‌زیست کارکنان هتل»، *مطالعات مدیریت گردشگری*، دوره شانزدهم، شماره پنجاه و شش، ص ۳۵-۴۷.
- برک‌پور، ناصر؛ جهان‌سیر، فاطمه (۱۳۹۵)، «شهروندی محیط‌زیستی و تحلیل رفتار شهروندی در شهر قزوین»، *هویت شهر*، دوره دهم، شماره چهارم، ص ۵۴-۶۶.
- پیری، مریم؛ قاسمی، ناصر (۱۳۸۸)، «بررسی حقوقی قضایی چگونگی و نقش اعمال حقوق شهروندی در محیط‌زیست»، *علوم و تکنولوژی محیط‌زیست*، دوره یازدهم، شماره سه، ص ۲۰۵-۲۱۲.
- حسن‌پور، آرش؛ قاسمس، وحید (۱۳۹۵)، «ساخت، طراحی و برازش مدل و ارائه سنجش برای سنجش سرمایه فرهنگی»، *جامعه‌شناسی ایران*، دوره هفدهم، شماره دوازده، ص ۵۵-۹۵.
- خبربان (۱۴۰۱)، کمبود آب مهم‌ترین بحران پیش رو کلان شهرها، <https://khabarban.com>.
- خبرگزاری تسنیم (۱۴۰۱)، تکرار روزهای آلوده و گرم در شیراز؛ شاخص آلودگی به ۱۳۷ رسید، <https://www.tasnimnews.com>
- خسروی کیا، ندا (۱۳۹۷) «بررسی رابطه پایگاه اجتماعی اقتصادی و میزان رفتارهای زیست محیطی شهروندان شهر ری»، سومین همایش ملی دانش و فناوری علوم کشاورزی، *منابع طبیعی و محیط‌زیست ایران*، تهران.
- خوش‌بین، سپیده؛ زعیمدار، مژگان؛ موگویی، رکسانا؛ حجازی، رخشاد (۱۳۹۹)، «تبیین علل موثر بر رفتار دوست دار محیط‌زیست با تکیه بر نقش جنسیت در شهروندان شهر تهران»، *جامعه‌شناسی ایران*، دوره بیست و یکم، شماره چهارم، ص ۱۲۳-۱۴۸.
- رستارخالد، امیر؛ مشکینی، قاسم؛ صادق، صالحی (۱۳۹۶)، «بررسی رابطه جهت‌گیری ارزشی با شهروندی زیست محیطی در بین شهروندان مناطق ۳، ۱۱ و ۱۹ تهران»، *توسعه اجتماعی*، دوره دوازدهم، شماره یک، ص ۳۷-۵۸.
- روحانی، حسن (۱۳۸۸)، «درآمدی بر نظریه سرمایه فرهنگی»، *راهبرد*، دوره سیزدهم، شماره پنجاه و سه، ص ۷-۳۵.
- زارع، ابوذر؛ ریگی، فهیمه؛ احمدوند، مصطفی (۱۳۹۹)، «عوامل تبیین‌کننده نگرش و رفتار محیط‌زیستی هنرجویان هنرستان کشاورزی شهید مطهری شیراز»، *آموزش محیط‌زیست و توسعه پایدار*، شماره بیست و سه، ص ۵۳-۶۸.
- زارع، بیژن؛ عابدینی، عیسی؛ حبیب‌پور، کرم (۱۴۰۰). «ارائه مدل ساختاری شهروندی زیست محیطی بر مبنای شهریت و سرمایه فرهنگی در بین شهروندان تبریز»، *جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، سال دهم، شماره دو، ص ۶۵-۸۹.
- سایت خبری تحلیلی شیراز ۱۴۰۰ (۱۴۰۱)، نابودی باغ ۱۱ هزار متری ناصری در کوچه ۵۹ قصردشت در کمتر از ۴ سال، <http://shiraz1400.ir>

- صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۶)، *مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی*، تهران: ققنوس.
- صالحی، صادق؛ امام‌قلی، لقمان (۱۳۹۱)، «بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی بر رفتارهای زیست‌محیطی (مطالعه موردی: استان کردستان)»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره سیزدهم، شماره چهار، ص ۹۰-۱۱۵.
- صالحی، صادق؛ امام‌قلی، لقمان (۱۳۹۱)، «سرمایه فرهنگی و نگرش و رفتارهای زیست‌محیطی (مطالعه موردی: استان کردستان)»، *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، دوره هشتم، شماره بیست و هشت، ص ۹۱-۱۲۰.
- صالحی، صادق؛ پازوکی نژاد، زهرا (۱۳۹۳)، «تحلیل اجتماعی نقش شهروندی محیط‌زیستی در مقابله با پیامدهای تغییر آب و هوا»، *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، دوره چهارم، شماره یازده، ص ۱۲۷-۱۴۵.
- عابدی سروستانی، احمد؛ شهرکی، محمدرضا (۱۴۰۰)، «تحلیل نگرش کارکنان یگان حفاظت از جنگل‌ها به پارادایم جدید زیست‌محیطی مطالعه موردی: استان گلستان»، *جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*، سال سی و سوم، شماره یک، ص ۱۸-۱.
- عنایت، حلیمه؛ فتح‌زاده، حیدر (۱۳۸۸)، «رویکردی نظری به مفهوم اکوفمینیسم»، *مطالعات جامعه‌شناسی*، دوره دوم، شماره پنجم، ص ۴۳-۴۵.
- عبسی، جهانگیر (۱۳۹۰)، «محیط‌زیست و بحران آن؛ رویکردی قرآنی»، *معرفت فرهنگی اجتماعی*، شماره هفت، ص ۶۳-۸۴.
- غلامی، علی اصغر؛ عباسی اسفجیر، علی اصغر؛ حیدرآبادی، ابوالقاسم (۱۳۹۹)، «سرمایه فرهنگی و رفتار زیست‌محیطی (مطالعه موردی شهر ساری)»، *پژوهش اجتماعی*، دوره دوازدهم، شماره چهل و هشت، ص ۱۱۱-۱۳۳.
- فتحی، ابراهیم؛ دهقانپور فراشاه، طیبه (۱۳۹۹)، «بررسی سرمایه فرهنگی بوردیو و رشد در تعالیم دینی»، *دین و سیاست فرهنگی*، شماره چهاردهم، ص ۲۱۱-۱۸۵.
- فرهمند، مهناز؛ شکوهی فر، کاوه؛ سیارخلج، حامد (۱۳۹۲)، «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر رفتارهای زیست‌محیطی (مورد مطالعه: شهروندان شهر یزد)»، *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، شماره دهم، ص ۱۲۳-۱۴۸.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۱)، *تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی*، تهران: انتشارات بهجت.
- فیروزجائیان گلوگاه، علی اصغر؛ و شفیع، آزاده (۱۳۹۶)، «آسیب‌شناسی شهروندی زیست‌محیطی با تاکید بر بی‌تفاوتی زیست‌محیطی (مورد مطالعه: شهروندان شهر یزد)»، *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، دوره هشت، شماره بیست و پنج، ص ۱۹-۴۲.
- قاسمی، یارمحمد؛ نامدار جویمی، احسان (۱۳۹۳)، «بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و سرمایه نمادین فرهنگی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه دولتی ایلام)»، *فرهنگ ایلام*، دوره پانزدهم، شماره چهل و پنج، ص ۷-۱۸.
- قلی‌پور، سیاوش؛ امیری، نادر؛ تیزچنگ، مهسا (۱۳۹۳)، «زنان و بازتولید پدرسالاری (مطالعه موردی: شهر کرمانشاه)»، *جامعه‌شناسی ایران*، دوره پانزدهم، شماره چهار، ص ۱۱۱-۱۵۲.

- گریفین، مایکل (۱۳۸۹)، *مفاهیم کلیدی پیر بوردیو*، ترجمه محمد مهدی لیبی، تهران: نشر افکار.
- مرادی، سهراب (۱۳۹۵)، «ارزیابی دانش، نگرش و رفتار مسوولانه دانشجویان نسبت به محیط‌زیست (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه پیام‌نور)»، *انسان و محیط‌زیست*، دوره پانزدهم، شماره چهار، ص ۹۸-۸۷.
- مقیم، متین؛ قاسمی، مهدی، بارسار، محمد (۱۴۰۰)، «بررسی نقش میانجی نیت در تحلیل عوامل مؤثر بر رفتار محیط‌زیستی پایدار کشاورزان شهرستان زنجان: کاربرد تئوری رفتار برنامه‌ریزی‌شده»، *آموزش محیط‌زیست و توسعه پایدار*، شماره بیست و هفت، ص ۲۲-۹.
- میرفردی، اصغر (۱۳۹۵)، «بررسی رابطه پایگاه اقتصادی-اجتماعی و احساس مسئولیت اجتماعی با رفتار محیط‌زیستی (مورد مطالعه: ساکنان نورآباد ممسنی)»، *آموزش محیط‌زیست و توسعه پایدار*، دوره پنجم، شماره یک، ص ۱۱۴-۱۰۱.
- میرفردی، اصغر (۱۳۹۷)، «نگرش محیط‌زیستی و ارتباط آن با میزان دینداری در نورآباد ممسنی»، *آموزش محیط‌زیست و توسعه پایدار*، سال هفتم، شماره دو، ص ۱۰۲-۹۱.
- میرفردی، اصغر؛ سلامتین، درنا (۱۳۹۹)، «رفتار محیط‌زیستی دانشجویان دانشگاه شیراز و ارتباط آن با نگرانی محیط‌زیستی و منابع اطلاعاتی آگاهی محیط‌زیستی»، *آموزش محیط‌زیست و توسعه پایدار*، سال دهم، شماره دو، ص ۱۵۱-۱۳۱.
- میرفردی، اصغر؛ سلامتین، درنا (۱۴۰۰)، «بررسی رابطه هویت ملی و رفتار محیط‌زیستی در بین دانشجویان رشته‌های علوم انسانی دانشگاه شیراز»، *مطالعات ملی*، دوره بیست و دوم، شماره چهار، ص ۱۵۹-۱۳۷.
- نبوی، سید حسین؛ مختاری، هشتی علی (۱۳۹۷)، «سرمایه فرهنگی و رفتارهای زیست‌محیطی خانواده‌های تهرانی»، *مسائل اجتماعی ایران*، دوره دوم، شماره نه، ص ۲۳۲-۲۰۹.
- نوابخش، مهرداد (۱۳۸۵)، «بررسی مفهوم شهر و شهروند از دیدگاه جامعه‌شناسی»، *جامعه‌شناسی*، شماره پنج، ص ۳۰-۱۱.
- هام، مگی (۱۳۸۲)، *فرهنگ نظریه‌های فمینیستی*، ترجمه نوشین احمدی خراسانی و فیروزه مهاجر، تهران: انتشارات توسعه.
- همتی، یونس (۱۳۹۴)، «بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و گذران اوقات فراغت در بین اعضای انجمن‌های ادبی و هنری تبریز»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور: مشهد.
- Al-Shemmeri, T., & Naylor, L (2017), "Energy saving in UK FE colleges: The relative importance of the socio-economic groups and environmental attitudes of employees", *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 68, pp 1130-1143.
- Ardoin, N. M., Bowers, A. W., & Gaillard, E (2020), "Environmental education outcomes for conservation: A systematic review", *Biological conservation*, 241, pp 875-896.
- Beaman, J (2016), "Citizenship as cultural: Towards a theory of cultural citizenship", *Sociology Compass*, 10 (10): 849-857.

- Bell, D. (2005), Liberal environmental citizenship, *Environmental Politics*, 14 (2), pp 179-194.
- Berkowitz, A. R., Ford, M. E., & Brewer, C. A (2005), *A framework for integrating ecological literacy, civics literacy, and environmental citizenship in Environmental education and advocacy: Changing perspectives of ecology and education*, Cambridge University Press.
- Bourdieu, P (1986), *The Forms of Capital*, in J. G. Richardson's, Handbook for Theory and Research for Sociology of Education.
- Brown, M. B (2016), "Three approaches to environmental political theory", *Contemporary Political Theory*, 15 (3), pp 21-28.
- Dobson, A (2007), "Environmental Citizenship: Towards Sustainable Development", *Sustainable Development*, 15 (5), pp 276-285.
- Huttunen, J., & Albrecht, E (2021), "The framing of environmental citizenship and youth participation in the Fridays for Future Movement in Finland", *International journal of Geography*, pp 1-18.
- Jagers, S. C., & Martinsson, J (2010). *The value of citizenship-ecological citizens and pro-environmental behavior*, University of Gothenburg.
- Kim, S., & Kim S (2010), "Comparative studies of environmental attitude and its determinants in three East Asia countries: Korea, Japan, and China", *International Review of Public Administration*, 15 (1), pp 17-33.
- Lange, F., & Siegfried, D (2019), "Measuring pro-environmental behavior: Review and recommendations", *Journal of Environmental Psychology*, 63, pp 92-100.
- Levy, A, Nir, O., & Yossi, L (2018), "Variables that influence the environmental behavior of adults", *Environmental Education Research*, 24 (93), pp 307-325.
- Mead, E (2013), *Promoting Lasting Ecological Citizenship Among College Students*, M. A. Thesis in Environmental Policy Design, Lehigh University, available in: <http://preserve.lehigh.edu/etd>.
- Plumwood, V (1992), "Feminism and Ecofeminism: Beyond the Dualistic Assumptions of Women, Men and Nature", *The Ecologist*, 22 (1), pp 8 -13.
- Sépulchre, M (2017), Research about citizenship and disability: A scoping review, *Disability and rehabilitation*, 39 (10), pp 949-956.
- Smith, M. J (1998), *Ecologism: Towards ecological citizenship*, Minneapolis: University of Minnesota Press.
- Steward, F (1991), *Citizens of Planet Earth*, in G. Andrews (Ed) *Citizenship* London: Lawrence and Wishart, pp 65-75.
- Warren, K (1990), "The power and the promise of ecological feminism", *Environmental Ethics*, 12 (2), pp 125-146.
- Yin, C., Ma, H., Gong, Y., Chen, Q., & Zhang, Y (2021), "Environmental CSR and environmental citizenship behavior: The role of employees' environmental passion and empathy", *Journal of Cleaner Production*, 320, pp 1280-1305.